

و تکرار از وقوع در آفات بدی نه لذات مکر لذت اصلی
 صحت که از لوازم اتفاق است پس معلوم شد که
 در اجراض از فضول و بیوی هم لذت نیست و هم صحت در
 طلب آن نه لذت نیست و در صحت و در محیف سلیمان بن داود
 علی نبینا علیه السلام مسطور است که فرمود که طلب
 زیاده در دنیا کمیند که در خانه خواه صاحب خانه که همانا
 است و خواه همان یک شکم پیش نیتواند خورد پس خواه
 آنکس که زیاده دارد و خواه آنکه بقدر حاجت دارد و در اتفاقا
 بآن یکسانند و صاحب زیاده را تعب و شغف زیاده
 و او را هیچ خصوصیت نیست الا آنکه گوید که این از آن من است
 و اگر کسی را قدر کفاف نباشد از مقدار حاجت بخاورد
 جایز ندارد و از مکارب دنیا احتراز کند و باید که هیچ وجه تشییع
 قوت غضب کند بیکدیگر یک ایشان مطلقا موقوف بطبیعت
 دارد و چون محیی که بتدریج لذتی که در وقت فراوان شهوتی

باید

یا اجزای غضبی باریت نرسیده باشد شوقی قبل از دفع
 آنست که بکنند که منبع انبعاث شهوت یا غضب شود و این
 حالت تشییع بحال کسی باشد که سببی را تشییع کند و بعد
 بتدریج خلاص یافتن از مشغول شود معلوم است که هیچ
 عاقل مثل این اقدام نماید چون طبیعت باز گذارد تا در وقت
 خود تشییع نماید پس میزان عقل سنجید مقدار که حد اعتدال
 باشد اعمال نماید و از طرف اغراط و تقریط محذوف باشد
 مؤدی بقدر عفت و ششما شود و باید که اعمال نظر
 بر اقوال و افعال و حرکات و سکنت مقدم دارد و تشییع
 عادت چیزی که مخالف ارادت عقلی باشد از و صا
 نشود اگر احوال عادت سبقت گیرد و فعلی مخالف
 عرف از و بظهور رسد عقوبتی که موجب از چهار او
 تواند داشت التزام نماید مثل آنکه اگر مبطع می مصیبت عقید
 در احتیاط و از آن باشد مبادرت نماید بچهارت او و احتیاط